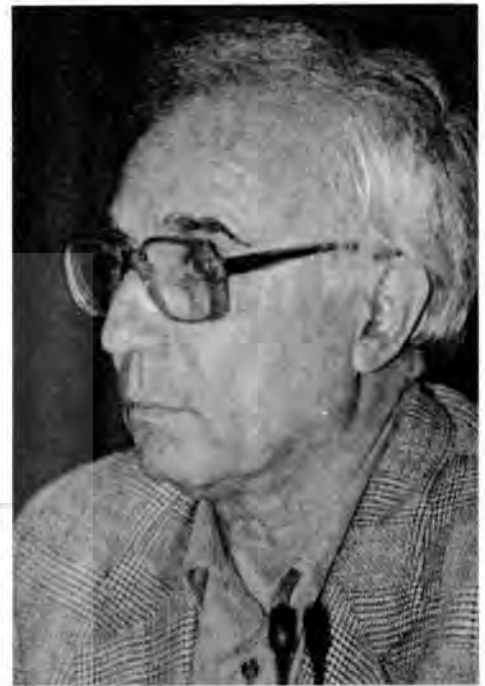


تاریخچه دایرةالمعارف نویسی در ایران و برخی ملاحظات اقتصادی

**نقطه عطف دایرةالمعارف نویسی
ایران در واقع سال ۱۳۳۵ یعنی وقتی
است که مرحوم دکتر غلامحسین
مصاحب مامور شد دایرةالمعارف
مختصری به زبان فارسی تدوین کند.**



● دکتر نورا... مرادی
ویراستار دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی

اگر بخواهیم درباره تاریخچه دایرةالمعارف نویسی در ایران صحبت کنیم، سابقه آن حدود هزار سال یابیشتر است. با این توضیح که یکی از سنتهای یونانی، تبدیل فرهنگ شفاهی به کتاب و نوشتار بود و به همین دلیل آثار یک فیلسوف در یونان یک آنسوکلوپدی یا "دایرة دانش" محسوب می شود و آثار برخی اندیشمندان بزرگ ایرانی و اسلامی را می توان در زمره آثار دایرةالمعارفی به حساب آورد. آثاری مثل احصاء العلوم فارابی، دانشنامه علایی، قانون و شفای ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی و دهها کتاب دیگر را می توان در حکم دایرةالمعارف در نظر گرفت.

ولی سابقه دایرةالمعارف نویسی به معنای امروزی و با استانداردهای علمی و جهانی مطرح، برمی گردد به آغاز قرنی که در آن زندگی می کنیم و به صورت خیلی خلاصه تعدادی از این دایرةالمعارفها را نام می برم. سال ۱۳۱۷ وزارت فرهنگ وقت با مرحوم سعیدنقیسی قراردادی منعقد کرد و براساس این قرارداد سعیدنقیسی مامور شد کتابی به نام فرهنگنامه منتشر کند که عبارت بود از مجموعه ای از لغتها و عددها. جلد اول این فرهنگنامه تدوین و توسط دبیرخانه فرهنگستان (فرهنگستان اول) منتشر شد. ولی بابت جنگ جهانی دوم این کار تعطیل شد.

در سال ۱۳۲۴ با تصویب ماده واحده ای در مجلس شورای ملی، مقرر شد لغتنامه علامه دهخدا منتشر شود. می دانید که علامه دهخدا لغتنامه خود را به ملت ایران تقدیم کرد و دولت نیز باید آن را به چاپ می رساند. به همین علت نیز سازمان لغتنامه تاسیس شد. این کار در سال ۱۳۲۵ آغاز شد و آخرین جزوه آن در سال ۶۰-۱۳۵۹ منتشر و بدین ترتیب نشر لغتنامه پایان یافت.

در سال ۱۳۲۷ سید حسن تقی زاده تصمیم گرفت "دایرةالمعارف اسلام" را که در هلند چاپ می شد و ویرایش اول آن ۴ جلد بود، به فارسی ترجمه و منتشر کند. برای این منظور عده ای از استادان آن زمان مثل مرحوم نفیسی، مرحوم دکتر صدیقی و مرحوم زریاب خوبی دعوت به کار شدند اما این کوشش ناکام و نافرجام ماند.

نقطه عطف دایرةالمعارف نویسی ایران در واقع سال ۱۳۳۵ یعنی وقتی است که مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب مامور شد دایرةالمعارف مختصری به زبان فارسی تدوین کند. البته قرار بود دایرةالمعارف یک جلدی "وایکینگ کلمبیا" را به فارسی ترجمه کند که دکتر مصاحب اعلام کردند این کار شدنی نیست و به جای آن قرار شد "دایرةالمعارف فارسی" تدوین شود. برای این منظور استادان بزرگی مانند دکتر زریاب خوبی، دکتر صدیقی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، دکتر اقصی، آرام و امثال آنها با مصاحب همکاری داشتند که در واقع اصحاب دایرةالمعارف را تشکیل می دادند. جلد اول این دایرةالمعارف در سال ۱۳۴۵ و جلد دوم آن در سال ۱۳۵۶ منتشر شد و با انتشار قسمت دوم جلد دوم در سال ۱۳۷۴، تدوین و انتشار این دایرةالمعارف ظرف ۳۰ سال به پایان رسید. طولانی شدن زمان انتشار دایرةالمعارف بطبع موجب کهنگی اطلاعات دایرةالمعارف گردید. از آنجا که این دایرةالمعارف براساس ضوابط علمی و شیوههای نوین دایرةالمعارف نویسی تدوین شده، می توان آن را نقطه عطفی در روند دایرةالمعارف نویسی به حساب آورد.

در سال ۱۳۴۸ دکتر احسان یارشاطر مامور شد دانشنامه ایران و اسلام را ترجمه و تدوین کند. از این کتاب نیز ۱۱ جزوه قبل و بعد از انقلاب منتشر و سپس تعطیل شد. کار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی را شاید بتوان به صورتی دیگر، ادامه دانشنامه ایران و اسلام دانست که با نام دانشنامه جهان اسلام انتشار می یابد و امیدوار هستیم به ثمر برسد. بعد از انقلاب چندین دایرةالمعارف در دست تدوین قرار گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

دایرةالمعارف تشیع که در سال ۱۳۶۶ شروع به تدوین و انتشار کرده است و ویراستاران اصلی آن آقایان فانی، خرمشاهی و حاج سید جوادی هستند. دایرةالمعارف دیگر، دانشنامه جهان اسلام است که توسط بنیاد دایرةالمعارف اسلامی تدوین و از حرف ب شروع شده است. تاکنون چند جلد از این دایرةالمعارف منتشر شده است.

سال ۱۳۶۷ نخستین جلد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با ویراستاری جناب آقای موسوی بجنوردی منتشر شد. این اثر دایرةالمعارفی است عظیم و هنوز در نیمه راه است. در این فاصله چند دایرةالمعارف دیگر منتشر شده است مثل دایرةالمعارف ایرانیکا، دایرةالمعارف "آریانا" در افغانستان و یک دایرةالمعارف ۸ جلدی در تاجیکستان به زبان فارسی ولی باخط و القای روسی.

در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان دو دایرةالمعارف مهم طی ۳۰ سال اخیر تدوین و منتشر شده است. یکی "فرهنگنامه" بود که موسسه فرانکلین در ۱۸ جلد آن را منتشر کرد و ترجمه ای بود از "گلدن بوک" نوشته برتاموریس پارکر. گرچه این دایرةالمعارف خالی از نقص نیست اما در زمان خود، نقطه عطفی در کتابهای مرجع کودکان به حساب می آمد.

دایرةالمعارف دیگر در این حوزه، فرهنگنامه شورای کتاب کودک است به سرپرستی سرکار خانم میرهادی. البته چند کتاب دیگر هم بین اینها بودند مثل "دانش بشر" که یک کتاب اطلاعات عمومی بود برای نوجوانان.

اینها خیلی مختصر و فهرست وار دایرةالمعارفهایی است که منتشر شده اند و امیدوارم دوستان عزیز بتوانند از این تجربه ها استفاده کنند.

در مورد لغتنامه دهخدا سوال شده است که این اثر دایرةالمعارف است یا لغتنامه. باید عرض کنم که هم دایرة



المعارف است و هم لغتنامه و به بیان دیگر نه دایره المعارف است و نه لغتنامه .

اگر بخواهیم دایره المعارف را با فرهنگ زبان مقایسه کنیم باید گفت دایره المعارف ناظر بر مفاهیم و تعاریف مفاهیم و دانش بشری است و لغتنامه ناظر بر لغات است . ممکن است یک لغتی مثل آب ، هم در دایره المعارف بیاید و هم در لغتنامه و یا یک لغتی مثل ایهام هم در لغت نامه بیاید و هم در دایره المعارف . اینها در لغتنامه ، به عنوان لغت معنی می شوند ولی در دایره المعارف آن را به عنوان یک مفهوم مورد بررسی قرار می دهند و این دو با یکدیگر متفاوت هستند البته این که اعلام جغرافیایی و اسامی در لغتنامه دهخدا وارد شده ، گرچه اوایل این را به عنوان ایراد بر کار مرحوم دهخدا می دانستند اما حدود ده ، پانزده سال است که تلقی صاحب نظران از این قضیه به عنوان یک حسن است . زیرا در حال حاضر می بینیم که در لغتنامه های غربی این کار را می کنند یعنی اعلام را با لغتها همراه کرده اند و در واقع این عمل را صرفه جویی در وقت مراجعه کننده می دانند . البته چنین پدیده ای بیشتر خاص فرهنگهای عمومی است تا تخصصی .

از نقطه نظر مسائل اقتصادی ، کتابهای مرجع و از جمله دایره المعارفها را نمی توان از سایر کتابها جدا کرد . در شرایط فعلی که بحث می کنیم ، به طور خاص در کشور خودمان ، اقتصاد کتاب شدیداً دچار بحران است و علل گوناگونی هم دارد . یکی از علل اصلی آن این است که در شرایط فعلی نرخ تورم نزدیک به بهره بانکی و گاهی از آن هم بیشتر است . فرض کنیم ناشری یک میلیون تومان برای یک کتاب سرمایه گذاری کند . اگر حدوداً بتواند ۲۰ درصد سود خالص داشته باشد و فرض هم بگیریم که تمام نسخه های کتاب را بفروشد . یک میلیون و دویست هزار تومان بعد از دو سال بازده سرمایه اش می شود . در حالیکه بهره بانکی اگر همین مقدار باشد ، تورم از این مقدار خیلی بیشتر است و در نتیجه ناشر بعد از دو سال مجبور است مقداری هم روی این مبلغ بگذارد تا قدرت خرید دو سال پیش خود را فراهم کند و بتواند سرمایه گذاری بعدی خود را انجام دهد . این فرمول کلی اقتصاد بیمار کتاب در ایران است . طبیعتاً وقتی به کتب مرجع می رسیم ، این تغییر باضرب خیلی بزرگتر عمل می کند چون کتابهای مرجع از لحاظ سرمایه گذاری نیازمند سرمایه گذاری زیادتری است . اگر یک دایره المعارف را در نظر بگیریم در همه جای دنیا قاعدتاً باید کتابهای مرجع حاصل و ثمره بخش تحقیقات باشد در حالی که در ایران برعکس است یعنی ما فکر می کنیم اگر دایره المعارف منتشر کنیم وضعیت تحقیقات خیلی خوب می شود . پس

که ما مصرف کننده این کتابها یعنی کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی و آموزشی ، و آموزش عالی را می شناسیم ، اینها ضعیف هستند و ضعف اولشان هم مادی نیست بلکه ضعف تفکر دارند یعنی اساس نظام آموزشی و تحقیقاتی ما هنوز به این باور نرسیده است که باید از کتابخانه و از کتابهای مرجع استفاده کند و برای این کار سرمایه گذاری کند . در درجه های بعدی ضعف مدیریت و ضعف مالی این مراکز قرار دارد . بنابراین سرمایه گذاری آثار مرجع را قاعدتاً یا باید ناشران خیلی بزرگ انجام دهند یا موسسات پژوهشی که از قدرت مالی برخوردارند و یا باید دولت اقدام به آن نماید .

به محض اینکه اقتصاد دولتی وارد این قضیه می شود ، کندی کار پیش می آید . شاید یکی از راههایی را که برخی از کشورهای امریکایی و اروپایی استفاده می کنند بتوانند کارساز باشد . بدین صورت که به سازمانهای بزرگ صنعتی اجازه می دهند در امور پژوهشی و تحقیقاتی سرمایه گذاری کنند و هزینه هایی را که می کنند دولت به عنوان مالیات از آنها می پذیرد .

دایره المعارف بزرگ اسلامی تاکنون ۷ جلد منتشر کرده است و به اواسط حرف الف رسیده است . با یک آمار سرانگشتی می توان به این نتیجه رسید که اگر بخواهد ۳۲ حرف چاپ شود دست کم ۲۰۰ جلد خواهد شد و اگر سرعت انتشار را خیلی زیاد در نظر بگیریم و فرض کنیم سالی دو جلد کتاب منتشر شود بنابراین ۱۰۰ سال طول می کشد که تنها دوره اول تمام شود یعنی حداقل سه نسل مدیریت دایره المعارف را به عهده خواهد داشت دایره المعارف تشیع هم همین وضع را دارد . شاید یکی از علت ها این باشد که برنامه ریزی ای که بعد از انقلاب برای نوشتن دایره المعارف شد بیش از حد توانایی جامعه ما بوده است . در مورد این نکته که متقاضی هم باید به همان نسبت رشد کند ، مثالی می زنم . آقای بجنوردی فرمودند که از هر جلد دایره المعارف بزرگ اسلامی ۲۰ هزار نسخه چاپ می شود که نیمی از این مقدار رایگان توزیع می شود . طبیعتاً بخشی از نیمه دیگران در انبار باقی می ماند و در واقع از هر دوره حدود یک چهارم به فروش می رسد . اخیراً ویراستار دایره المعارف اسلام ترکیه به تهران آمد و در صحبتی که با ایشان داشتیم اظهار داشتند از هر جلد این دایره المعارف حدود ۶۰ تا ۸۰ هزار نسخه چاپ می شود که دو سوم آن پیش فروش می شود . پیش فروش شدن بنیه مالی دایره المعارف را قوی می کند در حالی که در اینجا در بیشتر اوقات برعکس است یعنی دایره المعارف به مکنده ای تبدیل می شود که فقط پول را می مکد .

اساس نظام آموزشی و تحقیقاتی مانهوز به این باور نرسیده است که باید از کتابخانه و از کتابهای مرجع استفاده کند و برای این کار سرمایه گذاری کند .

دایرة المعارف بزرگ اسلامی تاکنون ۷ جلد منتشر کرده است و به اواسط حرف الف رسیده است . اگر سرعت انتشار را خیلی زیاد در نظر بگیریم ۱۰۰ سال طول می کشد که تنها دوره اول تمام شود یعنی حداقل سه نسل مدیریت دایرة المعارف را به عهده خواهد داشت .

اولین کاری که دایره المعارف می کند تا بتواند دایره المعارف بنویسد ، آن است که واحد تحقیقات خود را راه بیندازد . بنابراین برای این منظور نیاز به سرمایه گذاری هست . از طرف دیگر چون واحد تحقیقات نیازمند پشتیبانی است سرمایه گذاری عظیمی برای تهیه منابع لازم دارد . همچنین حق تالیف و نوشتن مقالات هم مطرح است . مشکلات بعدی مشکل چاپ و حروفچینی است . لذا بخش مرجع ، یک سرمایه گذاری عظیم لازم دارد اعم از این که این اثر مرجع دایره المعارف باشد یا منابع جغرافیایی و امثال آن که کار ناشر عادی نیست . یعنی یک ناشر مجبور می شود ۱۵ تا ۲۰ سال حقوق به یک گروه کارآمد و کامل بپردازد تا پس از ۲۰ سال یک کتاب مرجع آماده کند . از طرف دیگر آنجایی